

سه شنبه ۲۱ آگست ۲۰۱۸

مرجان کمال

یادداشت های پراگنده

از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده کمال

بخش سوم

ای سرو سرافراز من ای دختر من
من جان و جگر سوزم و هم تن بی تو
ای نخل جوان پناه تو باد به خدا
سازم به کجا پناه خود من بی تو



گشایش سیاسی و ستراتیژی ادغام مخالفین معترض:

ادغام «طالب های معتدل» در داخل سیستم سیاسی، جواب در مقابل مخالفین معترضی که ظهور خود را از نظر سیاسی در فروپاشی کشور می بینند.

با وجود کمک هنگفتی از طرف جامعه بین‌المللی برای احیای مجدد دولت، دوره مؤقت با فروپاشی قسمت‌های زیاد سرزمین همراه بود.

رژیم نو نتوانست یک سیستم سیاسی بی‌را خلق کند که نشان‌دهنده یکجا شدن واقعی تمام اقشار جامعه گردد و تنها به اقتدار و حاکمیت محدود در کابل و نواحی اطراف آن اکتفا نمود.

در مناطق جنوب و جنوب شرق (جنوبی) سؤال فروپاشی سرزمین توسط موجودیت مخالفین مسلح که هدف‌شان مانع از فعالیت‌های دولت جهت پیاده‌نمودن قدرت‌شان گردیده و اعمال این دسته زیاده‌تر علیه مردم ملکی بوده، و قراری که مشاهده می‌نمائیم، حمله بر یک مکتب در خوست و یا حمله بر یک مرکز سوادآموزی در قندهار می‌باشد.

ترس از این که به صورت حقیقی این مناطق تبدیل به لانه خشونت‌های دوامدار مخالفین گردد، بسیار زیاد است.

گرچه جنبش طالب‌ها، پاشان، مختل و ضعیف شده اند قسمی که مشاهده نمودیم، نتوانستند مانع دایر شدن انتخابات در ماه اکتوبر شوند. با وجود آن هم در ملاقات‌هایی که در آن مناطق با معترضین داشتم رجوع مخالفین به افراط‌گرایی، و از اخلال در پروسه انکشافی حرف زده می‌شد. به همه حال عدم موجودیت شرائط ابتدائی و مقدماتی که همانا امنیت فوری جهت تحقق بخشیدن پروگرام‌های انکشافی ضروری است. و در نتیجه از بین رفتن پروسه انکشافی در این مناطق، که از نظر زیربناها بسیار کمبودی دارند (آب، برق، مکاتب و غیره).

کاهش و ترک کردن پروگرام‌های انکشافی سبب به وجود آمدن کدورت و بالاخره به خشونت مسلحانه و خراب شدن شرائط امنیتی می‌انجامد.

انتخاب گشایش و یا عدم گشایش قدرت مرکزی فکتور تعیین‌کننده به صورت بسیار وسیع عبور از اعتراض، به طرف خشونت و افراط‌گرایی می‌باشد.

اگر قدرت مرکزی مقابل و رویارویی را انتخاب کند، خطری که متوجه دولت است، ادغام تمام مناطق جنوب را از دست می‌دهد، و اگر کوشش نماید که از در مسالمت با مخالفین یا اعتراض‌کنندگان پیش‌آید، امکان این وجود دارد که پروسه افراط‌گرایی از ریشه نابود شود.

هم‌چنین پیشنهاد برای «طالب‌های معتدل» که داخل سیستم سیاسی شوند، به گمان اغلب این ستراتیژی به بسیار خوبی امکان‌پذیر است، به دلیل انتخابات پارلمانی، زیرا اساساً کوشش ناراضی‌ها در این است تا یک نماینده سیاسی منطقوی داشته باشند و به این ترتیب می‌توانند توسط رأی خود در پارلمان از فروپاشی کشور جلوگیری نمایند.

مشکل عدم متجانس بودن مخالفین:

اگر ادغام «طالبان معتدل» یک راه حل برای جلوگیری از فروپاشی سرزمین باشد، آیا با وجود آن هم جلوگیری از افراط‌گرایی خواهد شد؟

ساختار یک طبقه یا کتگوری نو که قابلیت مدغم شدن را در سیستم سیاسی داشته و آن را قبول کنند، منطقی، قابل فهم و موجه است و نشان دهنده غیر متجانس بودن شان می باشد. در مناطق جنوب و جنوب شرق کشور، مخالفین متفاوت بودن یا متمایز بودن شان را به اساس قومیت، منطقه، ایدئولوژی و هم نسل، یا همسن بودن هویدا می نمایند. و از طرف دیگر این عدم متجانس بودن یا متفاوت بودن مخالفین توسط اهداف ستراتیژی شان نمایان می گردد. سؤال رو آوردن به خشونت مسلحانه جواب واضح، به پارچه، پارچه شدن جنبش طالب ها می باشد.

انقسام جنبش طالبان از سبب انتخاب طرز عمل مبارزه شان است که یک تعداد از گروه طالب ها مبارزه مسلحانه و تعداد دیگر مبارزه غیر مسلحانه را انتخاب نمودند.

طور مثال اولین اعلان رسمی، در مقابل قدرت رهبر طالب ها «ملا محمد عمر» اعتراض در عملکرد وی به تعقیب مسموم نمودن دو دختر خورد سال، هنگامی که به طرف مکتب می رفتند در ولایت خوست در ماه اپریل ۲۰۰۴، بود.

مسئولیت این عمل را طالب ها به عهده گرفتند، و به تعقیب آن یک جنبش نو به نام جهش - ای - مسلمین، این عمل را محکوم کرده و آن را غیر اسلامی نامید، و به همین دلیل خود مختاری خود را به مقابل رهبر طالب ها، ملا محمد عمر اعلان کرد. (اگست ۲۰۰۴)

دلیل دیگر تفرقه و پارچه شدن، هنگامی که سه نفر از هیئت انتخابات ملل متحد گروگان گرفته شدند و پیغام مطالبه و ادعا و برعکس آن، یکی پی دیگر جانشین گردیده و این حالت در تمام مدت بحران دوام داشت.

این حالت نیز نشان دهنده اقدام به خشونت و تقسیمات جنبش به پارچه های متعدد می باشد.

اگر ستراتیژی گشایش و مدغم ساختن مخالفینی که آرزو به خشونت مسلحانه را جهت نشان دادن عدم موافقت شان ندارند، لکن سؤال تهدید پیوستن به افراطیت موجود است.

به همه حال عدم موافقت جهت انتخاب یک ایدئولوژی بین مخالفین، سبب پارچه، پارچه و چند دسته بودن شان گردیده است، فلذا آنهایی که موافق به گفت و گو با قدرت مرکزی نیستند، دست به خشونت مسلحانه می برند در حالیکه با راه یافتن به پارلمان و پیش بردن مبارزه شان از طریق مشروع و سیاسی از هم پاشیدگی سرزمین جلوگیری میشود.

خبری که توسط سخن گوی کرزی اعلان و بعداً در اخبار واشنگتن پوست به نشر رسید، که در آن از نتیجه مذاکره قدرت مرکزی با چهار طالب «طالب های معتدل» خبر می داد. که این خبر به ما اجازه بررسی از تمام پروبلم هایی که از چند پارچه بودن مخالفین است، می رساند.

به همه حال معلوماتی که به نشر رسید نشان می دهد که این چهار نفر از ولایت پکتیا بودند، تمام شان در وقت سقوط طالب ها به پاکستان فرار کرده بودند، یکی از آنها مربوط به نسل های پیشین از حلقه بسیار شدید جنبش و در حکومت ربانی وظیفه یکی از وزارت ها را به عهده داشت.

به این ترتیب ملحق شدن این چهار شخصیت نشان دهنده ملحق شدن فقط یک رهبر، تنها از یک ولایت می باشد، که البته این شخصیت نمایندگی از تمامی مخالفین نمی کند و به بسیار خوبی در بیوگرافی شخصی که وظیفه وزارت را قبل از این که طالب شود به عهده داشت، به دیگر دسته های مخالفین اجازه می دهد که این گفت و گو را که با

قدرت مرکزی صورت گرفته تحریم و به اشخاصی که آن را انجام داده اند، فرصت طلبان سیاسی (l'opportunisme politique) اطلاق نمایند.

بالاخره سخن گوی دولت اظهار نمود که این کاملاً سودمند می باشد که اشخاصی که آماده هستند به « ملک و ملت خود خدمت کنند» و مجبور به ترک وطن خود از سبب تغییر رژیم گردیده بودند، دوباره در افغانستان داخل شوند، اگر این پروسه داخل شدن و ادغام مخالفین جلا از وطن یا تبعید شدگان، عمومی شود، احتمال قطع رابطه با مرکزیت یا لیدرشیپ موجود بوده، و باعث پارچه، پارچه شدن مخالفین می گردد.

جدا شدن «طالب های معتدل» به دلیلی امکان پذیر گردید که مخالفینی که در قدرت هستند نیز به پارچه ها تقسیم گردیده اند، یا از نظر ایدئولوژی، یا از نظر سن و سال، یا از نظر قومیت و یا از نظر منطوقی.

این تقسیم شدن به پارچه ها به یقین از سبب ادغام یک تعداد گردیده و خطر افراطی گرایی یک تعداد دیگر می گردد و یک راه حل مناسب نمی باشد.

بین ستراتیژی وسعت دادن قدرت و به خود فرو رفتن یا محکم شدن سیستم:

اگر انتخاب قدرت مرکزی گشودن راه همراهِ افرادی برخاسته از مخالفین تعیین کننده است، برای جلوگیری از احتمال به افراطی شدن، اما طریقه پی که قدرت مرکزی جهت این ادغام و گشایش انتخاب می کند رول اساسی را در نتیجه این گفت و گو بازی می کند.

قدرت مواد زیادی جهت نشان دادن مشروعیت خود دارد، که از آن برای داشتن یک رابطه خوب با مخالفین استفاده نماید.

ادامه دارد